مقاله نویسی و مقاله نویسان در ادب عربی

صاعدواقفی افوشته، مریم

نویسنده«مقامه نویسی و مقامه‏ نویسان در ادب عربی»ضمن اشاره به‏ معنای لغوی مقامه و ارکان سه گانه آن و این که از چه زمانی و توسط چه کسی اول‏ بار آغاز شده است،به تشریح عناصر آن‏ می‏پردازد.در ادامه مقامات بدیع الزمان‏ همدانی و ابو محمد قاسم بن علی حریری‏ را معرفی می‏کند و یادآور تفاوت‏های این‏ دو مقامه می‏شود.

مقامه در فرهنگ لغت به معنای موضع قیام، برخاستن و مجلس نیز آمده است و در ادب آن را داستان کوتاهی دانسته‏اند که حوادث آن در یک‏ مجلس واحد دور می‏زند.(1)

مقامه داستان کوتاهی است که بر اساس‏ خواهندگی و گدایی بنا شده و در واقع سه رکن اصلی‏ ذیل تشکیل دهنده آن است:

1-راوی:همان کسی است که حوادث رخ داده‏ در مجلس مقامه را ذکر می‏کند.

2-متکدی(بطل یا قهرمان مقامه):که تمامی‏ حوادث داستان حول او دور می‏زند و داستان در نهایت با پیروزی او در کلیه امور پایان می‏پذیرد.

3-ملحه(نکته یا گره و عقده):همان امری‏ است که مقامه در خصوص آن شکل گرفته و تنظیم‏ شده که البته این عقده و گره در مقامات گاه از امور غیر اخلاقی و گاه از مسایل اخلاقی سخن می‏گوید و مفید است.

به این ترتیب می‏توان گفت:مقامه فن ادبی است‏ همچون داستان کوتاه،که پیرامون یک قهرمان‏ موهوم دور می‏زند و سرگذشت او را روایت می‏کند.

قهرمان مقامه مردی است سخت حیله‏گر که تمام‏ همتش محدود به اندک رزقی است که از راه گدایی‏ به دست می‏آورد؛بنابر این موضوع داستان مقامه، گدایی،خدعه،حیله و فریب است.

مقامه میدانی است برای نکته پردازی و نشان دادن‏ مهارت و استادی در رهایی از تنگناهای زندگی از راههای گوناگون،و به نوعی خاص در نشان دادن‏ قدرت لغوی و ادبی نویسنده آن.

در اینجا برآنیم تا به بررسی اجمالی این فن ادبی‏ در ادب عربی بپردازیم،از این رو این فن را از ابتدای‏ پیدایش آن،مورد بررسی قرار دادیم.ضمن اینکه‏ جهت معرفی دقیق این نوع ادبی،عناصر تشکیل‏ دهنده آن را معرفی کرده و به تعریف اجمالی آن‏ پرداخته‏ایم و در پایان ضمن معرفی مقامه نویسان‏ برجسته،آثار آنان را نیز مورد نقد و بررسی کلی قرار داده و به مقایسه و موازنه بین این آثار پرداخته‏ایم و آنگاه ارزش ادبی و تاریخی مقامات را متذکر شده‏ایم.

فن مقامه در ادبیات فارسی از حیث عناصر سازنده آن،نظیر همان چیزی است که در ادب عربی‏ وجود دارد و مقامه نویسان برجسته‏ای چون‏ بدیع الزمان همدانی و حریری که از بزرگان این فن‏ در ادب عربی هستند یقینا از مبرزین این رشته در ادب‏ فارسی‏اند.

مخترع مقامات

در اینکه مقامه نویسی از چه زمانی آغاز شده، میان مورخان و ادباء اختلاف نظر وجود دارد. حریری در مقدمه مقامات خود و قلقشندی در «صبح الاعشی»و برخی دیگر از جمله بدیع الزمان‏ همدانی(357 هـ-398 هـ)را واضع فن مقامات‏ دانسته‏اند.جرجی زیدان بر این باور است که‏ بدیع الزمان مقامات خود را به شیوه رسائل امام‏ لغویان،ابو الحسین احمد بن فارس(390 هـ)نگاشته‏ است.

البته در این مورد که آیا بدیع الزمان واضع این فن‏ است یا ابن درید(321 هـ)میان اهل تحقیق اختلاف‏ نظر،بیشتر است؛به عنوان مثال ابن عبد ربه، صاحب«العقد الفرید»و ابن قتیبه،ظهور مقامات را به دوره‏ای پیشتر از بدیع الزمان بر می‏گردانند و حصری معتقد است که چون بدیع الزمان مشاهده کرد که ابو بکر محمد بن الحسن بن درید الازدی،چهل‏ حکایت غریب آورد و مدعی شد که آنها را از سرچشمه دل خویش استنباط کرده،و آنها را از الفاظ عجمی و نامأنوس بینباشته،به معارضه با او برخاست‏ و چهل مقامه در گدایی به رشته تحریر در آورد.(2)

می‏بینیم که اغلب ادبا،در اینکه بدیع الزمان‏ همدانی واضع مقامات است یا نه،اختلاف دارند. آنچنان که معتقدند بدیع الزمان فن مقامات را از فن‏ قصصی سابق اتخاذ کرده تا آنجا که دکتر زکی مبارک‏ در کتاب«نثر فنی»جلد اول ص 197 به بعد قصد اثبات این مطلب را دارد که مقامات بدیع الزمان مشتق از«احادیث ابن درید»است.ابن درید راوی و عالم‏ و لغوی بود که به روایت احادیثی از اعراب و مردم‏ شهر نشین توجه داشت.بی شک بین احادیث‏ ابن درید و مقامات بدیع الزمان شباهت‏هایی قوی از حیث قصص و سجع وجود دارد اما تفاوت‏ها را نیز نباید نادیده گرفت.آنچنان که از لحاظ صناعت، عقده(گره موجود در داستان)،وجود قهرمان(بطل) در مقامات و...تفاوت‏های چشمگیری بین این دو وجود دارد،اخبار مقامه در مورد تکدیگری و تمسخر عقول جماعات،همراه با اظهار توانمندی نویسنده‏ در فنون علم و ادب است.البته این بدان معنی‏ نیست.که بدیع الزمان از احادیث ابن درید یا قصص‏ و احادیث و اسماری که از عرب روایت شده، بی اطلاع بوده،بلکه بین آن احادیث و مقامات از حیث غایت و اسلوب تفاوت‏های فراوانی وجود دارد.اگر بدیع الزمان را نیز مخترع فن مقامات ندانیم‏ باید بپذیریم که مقامات او قدیمی‏ترین چیزی است‏ که از این فن جالب ادبی به دستمان رسیده است. بهتر است بگوییم فن مقامه نویسی بتدریج در روایت‏ قصه‏ها و اخبار پدید آمد و فضیلت بدیع الزمان همدانی‏ در این است که آن را تنظیم کرده و به شکل خاص‏ فنی خود در آورده است که البته این شکل خاص را در حکایات ابن درید نمی‏بینیم؛زیرا حکایات او اولا مسجع نیستند و نیز پیرامون یک قهرمان واحد هم دور نمی‏زنند و از حیث صناعت لفظی و بیانی نیز به پایه‏ و درجه مقامات بدیع الزمان نمی‏رسند،همچنین‏ حاوی نوادر و اخبار نیستند و به وقایع زمان و اعلام‏ تاریخ اشارتی ندارند و به اندازه مقامات بدیهی از حکم و امثال و نکات و لغات و آداب سرشار نیستند.

بدیع الزمان از حکایات ابن درید استفاده بسیار برده است.همچنین به شیوه‏های ترسل و نثر مصنوع‏ که به آرایش‏های لفظی،بخصوص سجع،اهمیت‏ فراوان قائل شده‏اند،اهتمام شدید دارد.همچنین‏ از اوضاع و احوال اجتماعی زمانش و از نوعی ادبیات‏ که به«ادب حرمان»:«ادب محرومان»معروف‏ شده،بهره فراوان برده است و مقامات او تصویری است‏ از حرفه گدایی که در آن روزگاران در جامعه رواج‏ داشته و از حیث اسلوب تابع ذوق ادبی شایع زمان‏ است که سجع و محسنات بدیعی را می‏پسندیدند و نثر را با حکم و اشعار و امثال می‏آراستند.

خصایص مقامات

عناصر و ویژگی‏های مقامه را به ترتیب زیر می‏توان مورد بررسی قرار داد:

1-مجلس:باید حوادث مقامه در یک مجلس‏ واحد اتفاق بیفتد طوری که حوادث،از آن محدوده‏ خارج نشود.(حفظ وحدت مکانی در قصه).

2-روایتگر(راویة):در هر مقامه یک راوی‏ وجود دارد که به نقل حوادث مقامه می‏پردازد.

3-متکدی(بطل یا قهرمان):هر مقامه یک‏ قهرمان(بطل)دارد قهرمان مقامه شخصی است‏ \*مقامه را در لغت به معنای‏ مجلس نیز دانسته‏اند و در ادب، داستان کوتاهی است که حوادث‏ آن در مجلسی واحد می‏گذرد و بر اساس خواهندگی و کوتاهی‏ شکل می‏گیرد.

\*«حرث بن همّام»،راوی مقامات‏ حریری،مردی است با عزت، شرافتمند و دور از راه و رسم‏ دزدان.وی جهانگردی است که در تمام سفرها یا به دنبال پرداخت‏ دیون دیگران است یا در تلاش‏ برای کسب معاش.

متکدی و غالبا خیالی،سخت حیله‏گر با زبانی فصیح‏ و توانا در علم و دین و ادب؛شاعر و خطیب و متظاهر به تقوا اما ماجن و بدکردار در خفا.تظاهر به جدیت‏ دارد و هزل را در وجود خود پنهان می‏دارد.غالبا در ظاهر بیچاره و مستمند جلوه می‏کند حال آنکه در حقیقت طالب منفعت است و نه مستمند واقعی. روال مقامه به این شکل است که همواره راوی و بطل‏ با هم در یک مجلس جمع هستند.کمتر پیش می‏آید که کار بطل برای راوی افشا شود بلکه در اغلب موارد این خود قهرمان مقامه(بطل)است که در برابر راوی‏ و احیانا در حضور حاضرین در مجلس از حیله خود پرده برداشته،همگان را از حقیقت کار خود مطلع‏ می‏سازد که در این حال عقده(گره)مقامه گشوده‏ می‏شود.البته قهرمان مقامه که ظاهرا گدایی بیش‏ نیست زمانی اهل مجلس را از باطن کار خویش آگاه‏ می‏سازد که قبلا از آنها مالی و یا لباسی دریافت کرده‏ باشد.در بیشتر مواقع حاضرین در محفل مقامه‏ می‏دانند که این گدا(قهرمان یا بطل مقامه)آنها را می‏فریبد و اموالشان را می‏رباید اما همواره طالب‏ و خواهانش هستند زیرا او با لطائف الحیل خود آنها را شاد کرده و به طرب می‏آورد و گاه آنها را متوجه‏ اموری می‏کند که بدان بی توجه بوده‏اند.

4-ملحه(نکته یا عقده یا گره مقامه):مراد از ملحه همان فکر و اندیشه‏ای است که داستان مقامه‏ پیرامون آن دور می‏زند و معمولا اندیشه‏ای نو و تازه‏ و یا جسورانه است اما ملحه در مقامات همواره سوق‏ دهنده افراد به سمت اخلاق حمیده نیست و نیز ممکن‏ است با موفقیت همراه نباشد.

5-قصه:هر مقامه به خودی خود از یک وحدت‏ قصصی برخوردار است و بین مقاماتی که مؤلفی‏ واحد دارند از حیث وجود راوی و متکدی(قهرمان‏ یا بطل)،تفاوتی نیست به این معنا که اگر مؤلفی‏ چندین مقدمه بنویسد در تمامی آنها،راوی و متکدی‏ (قهرمان یا بطل)واحد خواهد بود.و چه بسا ممکن‏ است قصص مقامات مربوط به زمان‏های مختلف و دور از هم باشد اما راوی تمام آنها واحد است.

6-موضوع:موضوعات مقامات مختلفند.از آن جمله می‏توان به:مقامات ادبی،مقامات فقهی، مقامات فکاهی،مقامات حماسی،مقامات خمری‏ و مجونی و...اشاره کرد.این موضوعات در مقامات بدیع الزمان همدانی(357 هـ-398 هـ) بدون رعایت ترتیب مخصوصی پشت سر هم آمده‏ است.اما حریری(446 هـ-516 هـ)که پس از بدیع الزمان به نگارش مقامات دست یازید،خود را ملزم به رعایت و حفظ ترتیب مخصوصی در تعاقب‏ موضوعات مقامات دانسته است.لازم به ذکر است‏ که یک مقامه‏گاه کوتاه است و گاه می‏تواند بلند باشد.

7-نام مقامه:معمولا نام مقامه مأخوذ از شهری‏ است که مجلس مقامه در آن تشکیل شده،مثلا المقامة الدمشقیة،المقامة التبریزیة،المقامة الرملبة (منسوب به شهر رملة در فلسطین)،المقامة المغربیة،المقامة السمرقندیة،المقامة البلخیة، المقامة الکوفیة،المقامة البغدادیة،المقامة العراقیة و...یا نام مقامه مأخوذ از ملحه‏ای(نکته،عقده) است که مقامه حول محور آن گرد آمده و شکل یافته‏ است مثلا المقامة الدیناریة،الحرزیة،الشعریة، الابلیسیة،الخمریة و...

8-شخصیت در مقامه:شخصیتی که در هر مقامه آشکار است شخصیت متکدی(قهرمان مقامه) نیست بلکه شخصیت مؤلف مقامه است،شخصیتی‏ که بر پایه عقل و درایت گسترده‏ای بنا شده است، درایت و بینشی عمیق نسبت به هر آنچه متکدی‏ (قهرمان یا بطل مقامه)به آن می‏پردازد زیرا اعمال بطل‏ مقامه چیزی جز ساخته‏ها و بافته‏های مؤلف مقامه‏ نیست،مؤلفی که خود نسبت به علوم عربی اشراف‏ کامل دارد و به فنون ادبی اعم از شعر و نثر و خطابه‏ مسلط است،بسیار باهوش است و در حل الغاز و کشف شبهات از دقتی شگرف برخوردار است و در پیمودن گردنه‏های صعب العبور زندگی و پشت‏ سر نهادن مصائب حیات بسیار شاداب و سر زنده‏ عمل می‏کند.

9-صناعت در مقامات:فن مقامات فن صنعت‏ پردازی و زیبا سازی لفظی است بخصوص نزد حریری:اغراق در سجع،زیاده روی در بدیع اعم از جناس و طباق،اغراق در مقابله و موازنه و سایر وجوه بلاغی،از ویژگی‏های بارز مقامات است. البته کاربرد صناعات ادبی در مقامه تا وقتی مجاز است که مؤلف دچار حصر در بلاغت نشود همچنانکه در بعضی خطب و نوشته‏های عصر اموی‏ و عباسی نویسنده را درگیر آن می‏بینیم.

به گونه‏ای که مثلا خطبه‏ای می‏آورند که طرد و عکسش یکی بوده و یا خطبه‏ای را مهمله(خالی از حروف نقطه‏دار)تنظیم می‏کردند و خطبه دیگری را با حروف مهمله(بی نقطه)و حروف معجمه(منقوط) پشت سر هم می‏آوردند.

10-شعر:مقامه داستانی است منثور که گاه‏ لا به لای آن اشعاری کم یا زیاد،سروده خود مؤلف‏ یا از سروده‏های دیگران،از زبان متکدی(بطل و قهرمان مقامه)آورده می‏شود.گاهی ایراد شعر در مقامات برای اظهار توانمندی مؤلف در نظم یا اظهار مهارت او در بدیع است؛آنچنان که در برخی مقامات‏ بخصوص مقامات حریری این امر مشهود است.(3)

نگاهی به مقامات بدیع الزمان همدانی(357 هـ- 398 هـ)

راوی مقامات بدیع الزمان فردی خیالی به نام‏ عیسی بن هشام است.

او مردی است اهل سفر که در یک جا مستقر نمی‏ماند گاهی در لباس تجار و گاه در جامه گدایان‏ نمایان می‏شود.در اکثر مقاماتش یک قهرمان وجود دارد و آن ابو الفتح اسکندری است که عیسی بن هشام‏ به نقل اخبار او می‏پردازد.ابو الفتح اسکندری مردی‏ است خیالی،خبیث و آشنا به انواع حیل؛که خباثت‏ و حیله‏گری را در جهت گدایی و جمع اموال بکار می‏گیرد.به ندرت مقامه‏ای می‏توان یافت که از تکدی گری و احتیال خالی باشد.قهرمان مقامات‏ بدیع الزمان گاه در لباس فردی جلیل القدر ظاهر می‏شود که به نصیحت مردم می‏پردازد و گاه او را بوزینه بازی می‏بینیم که با اعمال خود مردم را به خنده‏ می‏اندازد.گاه خود را شعبده بازی معرفی می‏کند که‏ در مقابل گروهی ساده اندیش ادعای آوردن معجزه‏ می‏کند و به این ترتیب با شعبده و حیله سودی و لو اندک به دست آورده و امرار معاش می‏کند.در این‏ حال قهرمان مقامه را گداترین مردمان و ماهرترینشان‏ در این امر می‏یابیم.با این همه،خطیب‏ترین و شاعرترین و آشناترین مردم به علوم روزگار خویش‏ است.

اغراض مقامات بدیع الزمان متفاوت و ابواب آن‏ متنوع است.به عنوان مثال دو مقامه«الجاحظیة»و «القریضیة»از جمله مقامات ادبی او محسوب‏ می‏شوند که در آن به روایت و شعر و نقد پرداخته‏ شده است.همچنین مقاماتی با اغراض دینی، اخلاقی و اجتماعی در آثار بدیع الزمان به چشم‏ \*مقامه دارای سه رکن اصلی؛ راوی،متکدی(بطل یا قهرمان‏ مقامه)و ملحه(نکته یا گره)است‏ و این شیوه از نظر اغراض شامل‏ مقامات ادبی،فکاهی،دینی و مجونی(هتاکانه)می‏شود.

می‏خورد.در برخی مقامات او،بطل،تا حدی است‏ از خود راضی،زیاد سخن می‏گوید و فراوان از ثروتش تعریف می‏کند و به این ترتیب مخاطبان خود را خسته و ناراحت می‏کند و گاه قهرمان مقاماتش از گروه عقلاء مجانین است که در علم کلام تبحر دارد و...

حوادث این مقامات اغلب در شهرهای متمدن‏ اتفاق می‏افتد.آن توجهی را که بدیع الزمان در مقامات الغیلانیة و الأسدیة و البشریة و الفزاریة و الأسودیة خود به کلام اهل بادیه دارد در بقیه مقاماتش‏ به ندرت به چشم می‏خورد.

فن قصه در مقامات او در اغلب موارد کوتاه و ضعیف است و اگر حسن صیاغ و مهارت بدیع الزمان‏ در کاربرد انواع کلام نبود این مقامات سرد و بی روح‏ و خشک به نظر می‏رسید.

راوی و بطل(قهرمان)در مقامات او منحصر به‏ زمان محدودی نیستند.عیسی بن هشام-راوی‏ مقامات بدیع الزمانی-در المقامة الغیلانیة از فرزدق‏ و ذی الزمة که از جمله شعراء عصر اموی هستند سخن می‏گوید آنچنان که گویی با این دو شاعر در یک عصر می‏زیسته است و در«مقامه الحمدانیة» در مورد سیف الدوله بن حمدان و خلف بن احمد- که هر دو در عصر عباسی می‏زیستند-سخن‏ می‏گوید.خلف بن احمد والی سجستان و معاصر با بدیع الزمان است.بدیع الزمان برخی مقاماتش را به‏ او اختصاص داده است و با ذکر نام او در این قبیل‏ آثارش،در واقع از او تجلیل می‏کند.دو مقامه‏ «المضیریة»و«البشریة»نسبت به سایر مقامات‏ بدیع الزمان از اهمیت ادبی بیشتری برخوردار است. «المقامة المضیریة»از تازه‏ترین و شیرین‏ترین‏ نوشته‏های بدیع الزمان است.در این مقامه،جمال‏ و زیبایی قصصی همراه با مهارت فن و دقت در وصف و حسن انتقال و اتساق افکار همراه با نوعی‏ سخریه و فکاهت و نکته دیده می‏شود به طوری که‏ اگر بدیع الزمان می‏توانست در تمام مقاماتش به‏ موفقیتی اینچنینی دست یابد بی شک در این فن به‏ غایة الغایات دست یافته بود.مقامه مذکور بیانگر مهارت او در وصف و دقت او در تصویر پردازی‏ها است.

اما در«مقامه البشریة»بدیع الزمان دست به ابتکار دیگری زده.به این ترتیب که او یک شاعر جاهلی را همراه با یک قصیده خلق کرده و نام این شاعر را بشر بن عوانة العبدی نهاده است شاعری بدلی و شعری ساختگی.در واقع بدیع الزمان پس از نگارش‏ این مقامه،تاریخ را در مورد بودن یا نبودن چنین‏ شاعری،به اشتباه می‏اندازد.(4)

نگاهی به مقامات حریری(446 هـ-516 هـ)

ابو محمد قاسم بن علی حریری از نویسندگان‏ برجسته‏ای است که به واسطه مقاماتش به شهرتی‏ عظیم دست یافته است.مقامات حریری به زبان‏های‏ مختلف ترجمه شده و علمای بزرگی همچون عکبری‏ و زبیدی به شرح و تفسیر آن پرداختند.

حریری مقاماتش را با کلام راوی آغاز می‏کند. او همچون بدیع الزمان تنها به آوردن واژه«حدثنا»در آغاز مقامات اکتفا نمی‏کند بلکه در صدد آن است که‏ در آغاز هر مقامه‏ای تنوعی ایجاد کند.از این رو هر مقامه را با واژه جدیدی آغاز می‏کند مثلا از کلماتی‏ چون:حدث،روی،حکی،أخبر،قال و...به‏ طور متنوع استفاده می‏کند.(5)

حرث بن همام راوی مقامات او است؛مردی‏ است با عزت،کریم الأخلاق و شرافتمند و دور از راه و رسم دزدان.حرث بن همام جهانگردی است‏ که در تمام سفرها یا به دنبال پرداخت دیون دیگران‏ است یا در تلاش برای کسب معاش.گاه نیز در هیأت‏ ثروتمندی ظاهر می‏شود که سفر برای او جنبه گردش‏ و تفریح دارد.(6)

حرث و ابو زید از اول مقامه با هم هستند و آن را شکل می‏دهند.ابو زید سروجی بطل مقامات حریری‏ است.او مردی است دزد و گدا و در عین حال شاعر و خطیب و مترسل،عالم به لغت و نحو و فقه و فرائض،آشنا به انواع کلام و نوادر بیان.او گدایی‏ است که ابزار کارش گشاده زبانی،سحر بیان و فصاحتش است.دزد و شرابخوار و مکار و منافق‏ است اما در عین حال اراده‏ای قوی دارد.در دزدی‏ راههای مختلفی را در پیش می‏گیرد و غالبا همسر و فرزندش نیز که در حیله‏گری و خباثت و علم و فصاحت چیزی کمتر از او نیستند همراه و هم یارش‏ هستند.حرث دوست ابو زید است اما در دزدی‏های او شرکت ندارد.او از کارهای ابو زید آگاه است و از بابت دنائت او ناراحت؛اما چون مدتی از او جدا شود دیری نمی‏پاید که دوباره مصاحبت با ابو زید را اختیار می‏کند زیرا ابو زید ادیب است و حرث مشتاق‏ ادب.(7)

مقامات حریری میدانی است برای نمایش انواع‏ حیله‏هایی که بطل مقامه در وصول به اهدافش بدان‏ متوسل می‏شود و نیز عرصه‏ای است پهناور برای ارایه‏ لطائف و صناعات ادبی.هم خساست و دنائت در آن دیده می‏شود و هم حکم و مواعظ.تا آنجا می‏توان‏ مقامات او را از حیث اغراض به چند دسته تقسیم‏ کرد:

1-مقامات ادبی:در این قبیل مقامات،قهرمان‏ مقامه یعنی ابو زید را می‏بینیم که در کاربرد کلام و نوادر بیان بسیار متبحر است.به عنوان مثال می‏توان‏ از مقامه القطیعیة حریری یاد کرد که در آن ابو زید مسایل نحوی را برای گروهی از نحویون مطرح‏ می‏کند و چون آنها را از حل این مسایل عاجز می‏بیند خود دست به حل و تفسیر آن می‏زند البته ابتدا پولی‏ را به عنوان حق الزحمه خویش از اهل مجلس دریافت‏ کرده و سپس راضی به حل مسایل می‏شود.(لازم به‏ ذکر است که القطیعیة در لغت اسم منسوب است‏ برای قطیعة الربیع که نام محله‏ای است در بغداد).

2-مقامات فکاهی:همچون مقامه الواسطیة حریری.(الواسطیة در لغت اسم منسوب است برای‏ واسط،که نام شهری در عراق است این شهر را بر اساس نام قصری-که حجاج بین کوفه و بصره‏ ساخت،واسط نامیدند.)

3-مقامات دینی:در این دسته از مقامات او، ابو زید را واعظی از دنیا بریده می‏بینم همچون«مقامه‏ الصنعانیة».(الصنعانیة اسم منسوب است برای‏ صنعاء یمن که بر خلاف قیاس صرفی ساخته شده‏ است.)

4-مقامات اخلاقی و اجتماعی:همچون«مقامه‏ الرازیة حریری»که در آن ابو زید والی است که در صدد ادای حقوق مردم است.(الرازیة در لغت اسم‏ منسوب برای ری است که سرزمینی در عراق عجم‏ است).

5-«مقامات مجونی»(در پرده دری و هرزگی): همچون«مقامه الرحبیة».

همه این اغراض علیرغم اختلافشان به‏ تکدی‏گری ختم می‏شود.گدایی نزد ابو زید وسیله‏ای‏ است برای کسب روزی؛لذا در این عمل به راه‏های‏ مختلفی متوسل می‏شود.گاه با همسرش نزد قاضی‏ یا والی رفته و تظاهر به مجادله می‏کند در حالی که‏ هر دو از زبانی فصیح برخوردارند و در آخر با دریافت‏ مبلغی،به مصالحه راضی می‏شوند.گاهی نیز این‏ درگیری ظاهری بین ابو زید و فرزندش رخ می‏دهد. در هر حال بزرگترین وسیله تکدی گری نزد او فصاحت زبان و وسعت علمش است.چه بسا عمدا خود را به راههایی می‏اندازد که در نهایت خست و

پستی است ولی او آن را بر می‏گزیند زیرا در نهایت‏ می‏تواند پولی و لو اندک به دست آورد.به عنوان مثال‏ در بعضی مقامات ابو زید را می‏بینیم ادعا می‏کند کسی‏ مرده است و او به ناگزیر برای خرید کفن مرده باید گدایی کند،و یا تظاهر به کوری کرده و همسرش او را تا مسجد همراهی می‏کند و ابو زید با این‏ لطائف الحیل مردم را فریب داده و اخاذی می‏کند.

کدیه و گدایی همه جا همراه ابو زید است.گویی‏ عنصر جدایی ناپذیر وجود او است.اما در پایان- یعنی در آخرین مقامه-ابو زید از حیله‏گری و فسق و دیگر اعمال ناصواب توبه می‏کند.(8)

تفاوت مقامات بدیع الزمان همدانی و حریری

آنچه به طور خلاصه در این خصوص می‏توان‏ گفت این است که حریری در مقامات خود بیش از بدوات به حضارت تمایل دارد و این رغبت در آثارش منعکس شده است.او تنها در یکی دو مورد از بدوات بهره برده.درست بر خلاف بدیع الزمان‏ که در چندین مقامه مستقل اسلوبش به بداوت و محیط بادیه نزدیکتر است تا حضارت و فضای‏ شهرنشینی،اما نکته دوم این است که«مقامات‏ حریری»طولانی‏تر از مقامات«بدیع الزمان»است‏ البته این طول و تفصیل به وسعت فن قصصی مقامه‏ او برنمی‏گردد یعنی این تفصیل دادن‏ها مربوط به‏ داستان طولانی مقامه نیست بلکه از این جهت است‏ که گاه حریری دو خبر را در یک مقامه جمع می‏کند، یا شاید از آن رو باشد که او در کاربرد الفاظ و مترادفات و اشعار در مقامات افراط می‏کرده‏ به طوری که در برخی از این مقامات قصائد کاملی‏ را می‏آورد که ابو زید به شرح و تفسیر آن پرداخته و اخبار مربوط به آن را بیان می‏کند.(9)

«مقامات حریری»از حیث صناعات ادبی دقیق‏تر از مقامات بدیع الزمان است و اشعارش از اشعار او بهتر و شیواتر.حریری از حیث تعمق در لغات و آوردن امثال و آنچه به نحو و انواع اشتقاق مربوط است از بدیع الزمان موفق‏تر عمل می‏کند و در کاربرد این امور اصرار بیشتری از خود نشان می‏دهد.

«مقامات حریری»از جهت گرایشات تعلیمی‏ شبیه«مقامات بدیع الزمان»است،حتی برتر از آن. زیرا مقامات همدانی آسان‏تر و کم تکلف‏تر و از حیث‏ وقایع و حوادث مبتکرانه‏تر است؛اما«مقامات‏ حریری»در ورطه سجع و تعقید سخت فرو رفته و همین اداء مطلب را دشوار ساخته؛تا آنجا که‏ کنایات پی در پی آن را به صورت لغز و معما در آورده‏ است.(10)

ارزش ادبی مقامات

مقامات اگر چه در قالب داستان نوشته شده است‏ اما ارزش واقعی داستان را ندارد.زیرا از مهمترین‏ خصوصیات داستان که وجود گره،شخصیت‏های‏ ممتاز داستانی،تحلیل روانی و تعلیم اخلاقی است، به دور است؛مقامات تنها نیرنگ‏هایی است برای‏ بیان زندگی گدایان که همه به یک صورت نگارش‏ یافته‏اند و بیش از آنکه در آن به موضوع پرداخته شود به اسلوب پرداخته شده است.به این صورت که یک‏ سلسله مواعظ و نکته‏های شیرین و لغزهای لغوی و نحوی،با بیانی جزل و پر از غرائب لفظی در شیوه‏ای‏ مسجع بیان شده است.بنابر این مقامات چنانکه‏ ابن الطقطقی می‏گوید:تنها فایده‏اش جهت تمرین‏ انشا و آگاهی بر مذاهب و روش‏های نظم و نثر است. که البته پاره‏ای از حکم و تجارب نیز در خلال آن ذکر شده است ولی چون داستان بر اساس گدایی بنا شده، موجب آن می‏شود که همت خواننده آنها به پستی‏ گراید.

در پایان می‏توان مقامات را از نظر تاریخی‏ تصویری جزیی از زندگی مردم در دوره‏ای دانست‏ که گدایی و کلاشی حرفه‏ای به شمار می‏آمده است.

(1)نقل به معنا و مفهوم از:بطرس البستانی،أدباء العرب‏ فی الأعصر العباسیة،ج 2،بیروت،دار الجیل،طبعة جدیدة منقحة و مشروحة و مفهرسة:دار نظیر عبود،ص 389

(2)نقل به معنا و مفهوم از:همان منبع،همان صفحه

(3)نقل به معنا و مفهوم از:الدکتور عمر فروخ،تاریخ الادب‏ العربی،ج 2،دار العلم للملایین الطبعة الخامسة، کانون الاول(دیسمبر)1985 م،صص 412 و 413 و 414 و 415

(4)نقل به معنا و مفهوم از:البطرس البستانی،أدباء العرب‏ فی الأعصر العباسیة،ج 2،بیروت،دار الجیل،طبعة جدیدة منقحة و مشروحة و مفهرسة:دار نظیر عبود،صص 390 و 391 و 392 و 393 و 394

(5)نقل به معنا و مفهوم از:همان،ص 428

(6)نقل به معنا و مفهوم از:همان منبع،همان صفحه

(7)نقل به معنا و مفهوم از:همان،ص 430

(8)نقل به معنا و مفهوم از:همان،ص ص 431 و 432

(9)نقل به معنا و مفهوم از:همان،ص 432

(10)حنا الفاخوری،تاریخ ادبیات زبان عربی«از عصر جاهلی تا قرن معاصر»،ترجمه عبد المحمد آیتی،تهران، انتشارات توس،چاپ سوم،بهار 1374،ص 540